



تحلیلی از سیستم مالیه اسلامی و بررسی اثرجهانی شدن بر آن

دکتر رضا اکبریان*

عمادالدین سخائی*

* عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز .

* دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد .

چکیده

مالیه اسلامی یک مفهوم سنتی است که در مجامع دانشگاهی رشته جدیدی به حساب می آید و در سطح مدل و تئوری نیاز به تعیین چارچوب اقتصادی دارد. به طور کلی اطلاعات کمی از سیستم مالیه اسلامی و ابزار آن وجود دارد که به منظور ارتقا سطح آگاهی و پیش بردن این نظریه بایستی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد تا مانند هر نظریه دیگر چارچوب اصلی آن مشخص و به صورت علمی و عملی قابل ارائه باشد. تفاوت اصلی سیستم اقتصاد اسلامی با سیستم های اقتصادی دیگر در توجه همزمان آن به مسائل فردی و اجتماعی است، یعنی اسلام نه تنها زندگی فردی و منفعت شخصی افراد بلکه عدالت اجتماعی و رفاه جامعه را نیز در نظر می گیرد.

در چند دهه اخیر نیز با پدیدار شدن مالیه اسلامی به شکل جدید و دانشگاهی و رشد سریع آن در کشورهای اسلامی و تحت تاثیر قرار گرفتن کلیه کشورها از آن یک نیاز اساسی برای پیشرفت مالیه اسلامی و عملی نمودن آن متناسب با شرایط زمان بوجود آمده است. سیستم مالیه اسلامی واژه جدیدی است که از دهه هشتاد میلادی در مجامع دانشگاهی پدیدار شده است، اما می توان به وجود سیستم بدون بهره یا بانکداری اسلامی در قبل از آن اشاره نمود که تنها بخشی از سیستم مالیه اسلامی را پوشش می داد که به نظر می رسد در کنار آن بایستی ساختار سرمایه و بازارهای سرمایه را نیز در نظر گرفت تا بتوان جنبه عملی آنرا بیشتر مدنظر قرار داد. در این مقاله ابتدا مالیه اسلامی، اصول اولیه و ابزار آن تبیین می شود. سپس پیامدها و چالش های سیستم مالیه اسلامی از قبیل نبود پشتوانه قانونی و عدم هماهنگی در بکارگیری اصول کاربردی در کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد. در پایان آثار جهانی شدن بر سیستم مالیه اسلامی و چالشهای آینده تجزیه و تحلیل خواهد شد.

مقدمه

بر اساس برخی تخمین ها بیش از ۱۵۵ موسسه مالی در بیش از ۴۵ کشور با ساختار مالیه اسلامی فعالیت می کنند. صنعت در ۵ سال گذشته با نرخ بیش از ۱۵٪ رشد داشته است، حجم پول در بازار مبادلاتی حدود ۷۰ بلیون دلار برای هر ماه بوده است و پیش بینی می شود با شروع قرن ۲۱ این عدد به ۱۰۰ بلیون دلار برسد.

رشد اولیه اقتصاد مالیه اسلامی بیشتر تحت تاثیرمآزاد حساب تجاری حاصل از صادرات نفت کشورهای اسلامی بود، اما با ادامه یافتن روند رشد و با کاهش درآمدهای نفت مشخص شد که عوامل دیگری از جمله سیستم اقتصادی مبتنی بر اصول اسلامی و اتحاد اسلامی اثرگذار بوده است. در مجموع اصلاح ساختار اقتصاد کلان اولیه در سیستم های مالیه مانند جریان حرکت سرمایه، خصوصی سازی، جهانی شدن بازارهای مالی، راه را برای توسعه اقتصاد مالیه اسلامی هموارنمود.

مالیه اسلامی چیست؟ یکی از سوالهای مهم که در تبیین سیستم مالیه اسلامی مطرح می شود آن است که مشخص نمائیم منظور از مالیه اسلامی چیست. در چند دهه گذشته مالیه اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی و همچنین در اسپانیا، مدیترانه و منطقه بالتیک به عنوان یکی از مباحث مهم مطرح بوده است. در واقع بعضی تکنیک ها و ابزارهای مالیه اسلامی بوسیله بازرگانان و کارشناسان امور مالی اروپا بکار گرفته شد.

اگر چه واژه اقتصاد مالیه اسلامی یک واژه جدید است که در اواسط دهه هشتاد پدید آمد اما همه منابع تجاری و فعالیت های بازرگانی قبلی از اصول اسلامی و همچنین بانکداری بدون بهره پیروی می کردند. نکته ای که باید به آن دقت شود آن است که در سیستم مالیه اسلامی سیستم بدون بهره تصویر درستی از همه سیستم نیست. بدون شک ممنوعیت دریافت و پرداخت بهره اصل سیستم است. اما آن اصل را فرعه های دیگری از نظریه های اسلامی مانند ریسک مشترک، حقوق فردی و مشروعیت قراردادهای دربرگرفته است. همچنین سیستم مالیه اسلامی تنها به بانکداری محدود نمی شود بلکه ساختار سرمایه، بازار سرمایه و همه نوع فعالیت مالی را پوشش می دهد.

تفسیر و برداشت از سیستم بدون بهره لزوماً به سیستم اسلامی منجر نمی شود و فلسفه وجودی مالیه اسلامی فراتر از تولید و رفتار اقتصادی می باشد. سیستم مالیه روی اقتصاد و دیدگاه مالی متمرکز می باشد اما سیستم مالیه اسلامی علاوه بر اقتصاد و امور مالی بر روی اصول اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی نیز تاکید دارد. سیستم برای مباحثی از قبیل ثروت، توزیع، عدالت اقتصادی و اجتماعی ارزش قائل می باشد. در سیستم مالیه اسلامی بازپرداخت هر نرخ از قبیل تعیین شده و تضمین شده ممنوع می باشد، اما مشارکت در ریسک را تشویق می کند و روی کیفیت قراردادهای تاکید می نماید.

الف (اصول سیستم مالیه اسلامی

چارچوب اصلی سیستم مالیه اسلامی مجموعه ای از قوانین و مقررات است که بطور مشترک به شریعت، اقتصاد، مسائل اجتماعی، سیاسی و دیدگاههای فرهنگی مربوط می شود. اصول سیستم مالیه اسلامی عبارتند از:

ممنوعیت بهره: ممنوعیت ربا اصل مرکزی سیستم را تشکیل می دهد، ربا در لغت مازاد و در واقع به هر افزایش غیر موجه در سرمایه چه از راه قرض یا فروش تفسیر می شود. بطور دقیق تر هر نرخ مثبت، ثابت و از قبل تعیین شده علاوه بر مقدار اولیه ربا است و ممنوع می باشد. به عقیده قریب به اتفاق علمای اسلام ربا نه فقط usury بلکه بهره را هم پوشش می دهد. این ممنوعیت روی عدالت اجتماعی، مساوات و حقوق دارایی پایه گذاری شده است. اسلام بدست آوردن سود را تشویق می کند اما گرفتن بهره را ممنوع می کند چون سود، روابط تجاری موفق را نشان می دهد و باعث افزایش ثروت می شود اما بهره هزینه ای است که بدون توجه به نتیجه تجارت تعیین می شود.

مشارکت در ریسک: بعلت ممنوعیت بهره عرضه کنندگان وجوه از قرض دهندگان به سرمایه گذاران مبدل می شوند و تأمین کنندگان سرمایه مالی ریسک های تجاری را در عوض مشارکت در سود شریک می شوند.

پول مانند پتانسیل سرمایه: پول مانند پتانسیل سرمایه است یعنی پول وقتی واقعاً سرمایه می شود که با منابع دیگر یک فعالیت تولیدی را به عهده بگیرد.

حرمت قراردادهای: اسلام از تعهد اخلاقی قراردادی حمایت می کند و افشاگری اطلاعات را مانند یک وظیفه مقدس می داند. این ویژگی تمایل دارد تا ریسک اطلاعات نامتقارن و مخاطره اخلاقی را کاهش دهد. فقط آن فعالیت های تجاری که از قوانین شریعت برای سرمایه گذاری پیروی می نمایند مورد تأیید می باشد و در این راستا سرمایه گذاری که بر اساس شریعت نباشد مانند سرمایه گذاری در تجارتی که با الکل سروکار داشته باشد و قمار ممنوع است.

سیستم مالیه اسلامی به دنبال آن است که باحذف بهره کارایی تخصیص را افزایش دهد. تخصیص کارایی بدین علت رخ می دهد که انتخاب های سرمایه گذاری برپایه بهره وری و نرخ بازده مورد انتظارشان بنا نهاده شده است. سرانجام مبتکران و کارآفرینان مالی تشویق می شوند تا نماینده هایی برای عرضه کنندگان سرمایه مالی باشند که بطور منظم پروژه ها را بررسی کنند.

ب (ابزارهای مالیه اسلامی

بازارهای اسلامی ابزارهای گوناگونی را در راه های مختلف برای کاربران و تأمین کنندگان وجه پیشنهاد می کنند. فروش، مبادلات مالی، سرمایه گذاری، جمع هزینه مالی (مراجعه)، مشارکت سود

(مضاربه) ، اجاره ، مشارکت ، پیش فروش از جمله ابزارهای مالی هستند . بنابراین برای توسعه بازارهای مالی اسلامی پتانسیل بزرگی وجود دارد .

مبادله با اضافه بها : یکی از ابزارهای عمومی بازارهای مالی اسلامی مبادله با اضافه بها یا فروش جمع هزینه (مرابحه) است که از کاربردی ترین ابزار برای کوتاه مدت به حساب می آید و حدود ۷۵٪ از مبادلات مالی اسلامی بدین صورت انجام می شود .

اجاره : دیگر ابزار عمومی که حدود ۱۵٪ از مبادلات مالی اسلامی را تشکیل می دهد اجاره است که اشکال متفاوت اجاره داده شده است .

مضاربه: یک نوع توافق برای مشارکت در سود می باشد به این صورت که یک نفر به عنوان عامل و یک نفر به عنوان سرمایه گذار فعالیتی را آغاز می نمایند و در سود حاصل از آن فعالیت هر دو شریک می باشند .

مشارکت در سرمایه (مشارکت): مانند فعالیت اقتصادی مشترک کلاسیک است و هم کارفرمای اقتصادی و سرمایه گذار در سرمایه مشارکت می کنند اعم از مشارکت در عمل و مشارکت در بازده ، عموماً این شکل از مبادله برای دارایی های ثابت مالی و سرمایه در گردش برای میان مدت و بلندمدت بکار می برد .

قرارداد فروش : فروش ممکن است بصورت نقد انجام گیرد و ممکن است بصورت نسبه انجام شود . در فروش نسبه کالا تحویل گرفته می شود اما بهای آن در آینده پرداخت می گردد. سلف نیز از جمله موارد است که تحویل کالا در آینده و تحویل بهای آن بصورت نقد است .

پ (روندهای بازار

بانکداری سیستم پیشرفته تری از سیستم مالی اسلامی است . کشورهای اسلامی به سیستم بانکداری که بطور کامل با قوانین اسلامی سازگار باشد نیاز دارند . بانک های اسلامی می توانند بر اساس اصول اسلامی تجارت و سرمایه گذاری کنند . بانک های اسلامی وضعیت خوبی در جذب سپرده های مسلمانان دارند ، اما توانایی تکنیکی در سرمایه گذاری بصورت کارآمد را ندارند . بانک های اسلامی قصد دارند جهانی شوند و مبادلات مالی خود را افزایش دهند .

بازارهای مالی اسلامی معمولاً در افزایش نقدینگی مشکل دارند ، در نتیجه بخش بزرگی از پتانسیل سرمایه گذاران حذف می شود . سه نوع سرمایه وجود دارد . دارائی خالص ، کالا و اجاره . وجوه دارائی خالص که بزرگترین سهم بازار وجوه سرمایه اسلامی است مانند وجوه در یک شرکت تعاونی عرفی است ، با این تفاوت که با قوانین اسلامی مطابقت داده می شود تا سهم های مناسب انتخاب شود . مطابقت با قوانین اسلامی این اطمینان را بوجود می آورد که ساخت ، عمل و ساختار سرمایه هر

تجارت و وجوه سرمایه گذاری با قوانین اسلامی سازگار است و شرکت هایی که در فعالیت های ممنوع کار می کنند و یا با قرض های مالی زیاد مواجه هستند حذف می شوند. بدین دلیل شرکت ها با سطح کمتر بدهی مالی (۱۰ درصد یا کمتر) شاید انتخاب شوند. مشروط براینکه قرض ها بطور دائمی در ترکیب ساختار سرمایه باقی نماند. آینده وجوه دارائی خالص اسلامی بعلت موج جدیدی از خصوصی سازی در کشورهای مسلمان مثل مصر و اردن روشن است و نرخ رشد بالای اقتصادی در کشورهای مثل اندونزی و مالزی نشانه های خوبی از مالیه اسلامی می باشد. وجوه کالایی و اجاره اشکال دیگری از مالیه اسلامی هستند وجوه کالایی در فلزات پایه سرمایه گذاری می شود. وجوه اجاره تجهیزات و هواپیماهای اجاره داده شده را در بر می گیرد.

ت (پیامدها و چالش ها

۱. چالش های کنونی

بازارهای مالی اسلامی به علت کمبود در دیگر اجزا سیستم مالیه اسلامی نمی توانند از پتانسیل خود استفاده کنند. یک واحد تنظیمی و چارچوب قانونی پشتیبان از سیستم مالیه اسلامی بصورت پیشرفته ای وجود ندارد. به منظور پیشرفت یک چارچوب تنظیمی و پشتیبان موسسه های مالی اسلامی بایستی اتحاد بازارهای اسلامی و بازارهای مالیه بین الملل افزایش یابد.

یک مرکز متشکل بزرگ که بتواند ادعا کند تابع قوانین اسلامی است وجود ندارد. اگر چه بازار سهام در کشورهای اسلامی مثل مصر، اردن، پاکستان وجود دارد ولی هیچ سازگاری با اصول اسلامی ندارد. علاوه بر این بازارهای فرعی برای تولیدات اسلامی بسیار کم می باشد. بازار پول وجود ندارد زیرا ابزارهای رشد و ترقی قابل دسترس نیست. پیشرفت بازارهای بین بانکی چالش دیگری است، سرعت نوآوری کند است و سالیان زیادی است که بازارها ابزارهای سنتی را برای کوتاه مدت و میان مدت ارائه می نمایند. اما تاکنون ابزارهای ضروری مطرح نشده است، بنابراین یک نیاز برای ابزارهای مدیریت ریسک وجود دارد تا مشتری ها را در مقابل نوسانات بازار نقدینگی و کالا مجهز کند. یک سیستم مالیه اسلامی به استانداردها و حسابداری قوی اسلامی نیاز دارد. حسابداری غربی کافی نیست زیرا طبیعت متفاوتی از ابزار مالی اسلامی دارد. استانداردها برای افشای اطلاعات و جلب اعتماد سرمایه گذاران و نظارت کافی نمی باشد، استانداردهای صحیح و شایسته به اتحاد بازارهای مالی اسلامی با بازارهای بین الملل کمک می کنند. موسسه های اسلامی کمبود پرسنل آموزش دیده دارند که بتوانند بازار سهام را مدیریت و تحلیل کنند، فقط تعداد محدودی از موسسه های اسلامی کارمندان آموزش دیده دارند تا بتوانند تولیداتشان را پیشرفت دهند.

۲. جهت گیریهای ضروری

برخی جهت گیریها وجود دارند که برای موفقیت آمیز بودن فعالیت بانکداری اسلامی در آینده ضروری بنظر می رسند که بعضی از آنها عبارتند از :

اول : تلاش برای وضع قوانین خاص به منظور انجام فعالیتهای بانکی و تسهیل فعالیت موسسات عالی اسلامی و فراهم آوردن امکان فعالیت در چارچوب قوانین اسلامی .

دوم : سازماندهی صنعت بانکداری و نظارت بر آن ، چرا که افزودن بر اطلاعات سرمایه گذاران و تضمین سلامت نظام پرداختها ، سیاست نظارت بر بانکها از اهمیت بسیار برخوردار است . در مورد بانکهای اسلامی یک بعد نظارتی دیگر هم وجود دارد و آن نظارت شرعی است .

سوم : نیاز شدیدی به تأمین اعتبارات درازمدت از طریق فروش اسناد و سهام درازمدت وجود دارد که بازار اوراق مالی و بهادار مسؤول انجام این کار هستند . از آنجا که بانکهای اسلامی با سندهای بهره دار معامله نمی کنند نیاز شدیدی به بازارهای سهام احساس می کنند .

چهارم : بعد شرعی فعالیت بانکی بسیار مهم است و همچنین باید عملیات بانکداری تحت نظارت دقیق شرعی باشد تا اطمینان حاصل شود که فعالیت بانکها عملاً با ملزومات شرعی مطابقت دارد .

پنجم : بانکهای اسلامی اهمیت لازم را برای آموزش و تربیت نیرو و تحقیق قایل نیستند هر چند این نکات تاثیر بسیاری در رشد و پیشرفت هر نظامی دارند .

ششم : بانکهای اسلامی تا حد زیادی منابع مالی مشتریانی را که انگیزه آنها سرمایه گذاری است به خود جذب کرده اند ولی این وضعیت به سرعت در حال تغییر است به گونه ای که بانکهای اسلامی اکنون با افزایش مداوم رقیبان روبرو هستند .

هفتم : جهانی سازی اقتصادی و مالی بر صنعت بانکداری تاثیر گذاشته و این صنعت باید با این تغییرات جدید و پی در پی مانند افزایش وابستگی اقتصادی کشورها به یکدیگر در سطح جهانی کنار بیاید . این وابستگی ها به دلیل افزایش حجم و تنوع خرید و فروش کالا و خدمات و افزایش حجم جابجایی سرمایه و انتشار سریع تکنولوژی ایجاد شده اند . این مسایل بانکهای اسلامی را در برابر چالشهایی قرار داده اند که برای مقابله با آنها می توان به افزایش استفاده از شیوه های اسلامی تأمین اعتبار و گشایش شعبه های بیشتر بانکهای اسلامی در سایر کشورها و فراهم آوردن امکان جذب سپرده های بیشتر توسط این بانکها اشاره کرد.

۳. چالشهای آینده

جهانی سازی با از بین بردن موانع و محدودیتهای پیش روی صنایع بانکداری در پایان سال ۲۰۱۰ اولین و بزرگترین چالش صنعت بانکداری به شمار می رود و بانکهای اسلامی باید خود را برای مقابله

با این چالش آماده کنند. چالش دوم افزایش شدت رقابت به دلیل ورود بانکهای تجاری غربی و خارجی به بازار سرمایه گذاری اسلامی است. این بانکها به دلیل برخوردار بودن از توانایی های مخصوص به خود خواهند توانست به شکل گسترده تری به رقابت پرداخته و بطور مستقیم عملکرد بانکهای اسلامی را تحت تاثیر قرار دهند.

اکنون بانکهای تجاری اقدام به احداث شعبه های اسلامی با شعار تغییر کامل از نظام بانکداری تجاری سنتی به نظام بانکداری اسلامی کرده اند و انتظار می رود تعداد زیادی از بانکهای عربی و بانکهای متعلق به سایر کشورهای اسلامی به بانکهای اسلامی تبدیل شوند (همانطور که بانک ملی شارجه اخیرا دچار چنین تغییر و تحولی شده است).

سومین چالش پیش روی بانکهای اسلامی، میزان توانایی آنان در همراه شدن با صنعت بانکداری جهانی از نظر گستردگی و توسعه نظامها و خدمات خویش به ویژه صدور چکهای مالی است که به حل مشکل مدیریت نقدینگی و تأمین منابع مالی دولت کمک می کند. بانکهای اسلامی در صورتیکه از امکانات مالی و فنی کافی برای همگام شدن با بازارهای مالی و فنی کافی برای همگام شدن با بازارهای مالی برخوردار نباشند در زمینه تداوم پیشرفت خود با مشکل مواجه خواهند شد.

چهارمین چالش، درک نکردن عظمت خطری است که بانکهای اسلامی را تهدید می کند. عدم درک اهمیت ادغام بانکهای اسلامی در یکدیگر به عنوان یک انتخاب استراتژیکی به منظور ایجاد بانکهای اسلامی بزرگ، پرتوان و با سرمایه بیشتر، یک چالش جدی پیش روی بانکهای اسلامی به شمار می رود.

ث) آثار جهانی شدن بر مالیه اسلامی

۱. ایجاد مرکز اسلامی بین المللی

پیوستن به فرایند جهانی شدن مشتریها و ارباب رجوع بین المللی را برای مالیه اسلامی و محصولاتش فراهم می آورد که برای سرویس دهی به آنها نیاز به ایجاد مراکز اسلامی در نقاط مختلف جهان دارد تا بتواند به هر فرد در هر نقطه از جهان در کمترین زمان ممکن سرویس لازم را ارائه نماید. در این زمینه اقداماتی انجام شده اما کافی نمی باشد از جمله کشور بحرین به عنوان یک مرکز خارجی نقش کلیدی را در بازار پول اسلامی دارا می باشد. مالزی نیز در صدد است که خود را به عنوان مرکز بزرگ مالی اسلامی بین المللی معرفی نماید. به نظر می رسد که کشورهای اسلامی می توانند اتحادیه کشورهای اسلامی را با ریاست و اعضا مشخص تشکیل دهند و بازار جهانی محصولات مالیه اسلامی را در دست بگیرند تا بتوانند بسیار موثرتر از قبل کار کنند.

۲. نیاز واقعی و جدی به ابزارهای مالی مدرن که منطبق بر اصول شرعی باشد .

جهانی شدن چالشهای زیادی را برای بانکداری اسلامی بوجود آورد و آنرا به نوآوری فراخواند .
مالیه اسلامی هنوز به قراردادهایی از قبیل مضاربه ، مشارکت و اجاره متکی است و هنوز هیچ ابزار جدیدی به آن اضافه نشده است . هم اکنون یک نیاز واقعی و جدی به ابزارهای قدیمی منطبق بر شرایط زمانی و مکانی جدید احساس می شود .

۳. ایجاد مراکز معتبر بیشتر تحقیقات مالی و دینی

بایستی تلاش جدی صورت گیرد تا بجای ربا ابزار جدیدی طراحی و بکار گرفته شود ، این امر مستلزم تحقیقات مالی و دینی منسجم و صحیحی می باشد که برای عملی شدن این مهم وجود مراکز معتبر با امکانات کافی بسیار جدی است . به نظر می رسد که بایستی جمعی از متخصصین دین برای تبیین چارچوب احکام اسلامی و همچنین اقتصاددانان برای مدیریت طرحهای اقتصادی تشکیل گردد و بطور ویژه روی این مسائل کارکنند .

۴. در نظر گرفتن بازدهی برای مشارکت

برای اوراق مشارکت اسلامی هم باید مثل اوراق قرضه غیر اسلامی بازدهی در نظر گرفته شود تا مردم انگیزه ای برای آن داشته باشند . دولت مالزی برای بیش از یک دهه اوراق قرضه اسلامی منتشر کرد اما تا سررسید نزد بانکهای تجاری نگه داشته می شد ، اصلی ترین ضرر این بود که نقدینگی بانکها را محدود می کرد و مقیاس افزایش سپرده های عمومی را هم کاهش می داد . بحرین راه حل این مشکل را یافت ، آنها بجای استفاده از نرخ بهره بازار روی اوراق نرخ سود حقیقی مورد انتظار دولت را بکار بردند و این موفقیت با ضمانت های دولتی راهنمای سه بانک اسلامی بحرین ، دبی و کویت گردید.

۵. ایجاد رقابت و فضای همکاری

جهانی شدن فقط یک وسیله رقابتی مهم و ضروری نیست بلکه فضایی را برای همکاری ارائه می دهد . به عنوان مثال گسترش همکاری بین مالزی و بحرین که به صورت بازگشائی واحد بانکداری خارج از مرکز در بحرین به وسیله مالزی بود . این واحد خارجی به شیوه دریاچه اسلامی عمل می کند و علاوه بر بانکداری غیر اسلامی ، خدمات اسلامی را هم به بازار ارائه می کند .

۶. همسانی سیستم تجاری و شبیه سازی خط مشی ها و روش ها

جهانی شدن و این همکاری بین کشورها نه تنها آنها را به سیستم تجاری یکسانی هدایت می کند بلکه آرام آرام خط مشی ها و روشها را نیز همسان می کند .

۷. کمک جهانی شدن به تکمیل بخش های مختلف بازارها

خدمات مالی اسلامی تحت استانداردهای بانکهای اسلامی ممکن است مورد رسیدگی دقیق موسسات نظارتی بین المللی قرار بگیرد .

این نظارت ها می تواند کیفیت ارائه محصولات مالی را افزایش داده و آنها را تحت استانداردهای خاصی قرار دهد که این امر برای اضافه کردن توان رقابتی کشورهای اسلامی مثر ثمر خواهد بود .

۸. لزوم یک مرکز هماهنگ کننده و ناظر صنعت خدمات مالی اسلامی

به منظور ارتباط منظم و منسجم بین کشورهای اسلامی که خدمات مالی اسلامی را ارائه می کنند یک مرکز هماهنگ کننده و ناظری قدرتمند لازم می باشد ، در این راستا برای رفع مشکلات احتمالی سرویس گسترده مالی اسلامی با ریاست کوآلامپور تشکیل شد.

۹- کشورهای اسلامی به دلیل تفاوت های ملی ، تفاوت در مفاهیم شرعی ، سیستم قانونی و حقوقی و ابزارهای مالی بازارهای مالی جدائی دارند و محصولات مالی متفاوتی را ارائه می دهند . جهانی شدن می تواند استانداردهای محصولات مالی را بوجود آورد . مالیه اسلامی می تواند حتی در مقابل مالیه غیر اسلامی قد علم کند و حرفی برای گفتن داشته باشد به شرطیکه خدماتش از سطح استانداردهای قابل ملاحظه بین المللی برخوردار باشد.

۱۰. تنوع ابزارهای مالی اسلامی و شانس برای مشتریان غیر مسلمان

با جهانی شدن ، ابزار مالی اسلامی تنوع قابل توجهی پیدا می کند و شانس استفاده از خدمات اسلامی نه تنها برای مشتریان مسلمان بلکه برای غیرمسلمانان نیز فراهم می شود . همه کسانی که به جنبه اخلاقی معاملات مالی شان اهمیت می دهند متمایل به مالیه اسلامی خواهند شد لذا افراد غیر مسلمانی که مالیه اسلامی را استفاده می کنند رو به افزایش است.

۱۱. همگرایی در نرخهای بازده

جهانی شدن به کم کردن تفاوت در زمینه ابزارهای مالی اسلامی بین کشورها بر حسب جریان آزاد و حرکت سرمایه می اندیشد . در پی جهانی شدن فشارهای رقابتی و انتظارات مشتری نرخهای بازده را در موسسات اسلامی به آنچه در بازارهای مالی غیر اسلامی وجود دارد نزدیکتر می نماید با توجه به اینکه ریسک بیشتری مربوط به مالیه اسلامی وجود دارد ، بایستی انتظار بازده بیشتری هم وجود داشته باشد .

نتیجه گیری

امروزه اقتصادهای پیشرفته در جهت بهره گیری از نظریات علمی در خصوص کاهش مداوم نرخ بهره تلاش می نمایند. در حال حاضر، نرخ بهره اسمی در برخی از کشورهای پیشرفته از جمله ژاپن صفر شده است. آمریکا و کشورهای اروپایی مرتب در حال کاهش نرخ بهره اسمی هستند و بدون تردید در آینده ای بسیار نزدیک، نرخ های بهره خود را به صفر خواهند رساند.

بهره از مهم ترین شاخص های اقتصادی، و تعیین کننده متغیرهای کلانی از جمله تولید، اشتغال و قیمت ها است، به گونه ای که در پی افزایش نرخ بهره، سطح عمومی قیمت ها و بیکاری افزایش خواهد یافت.

ظرایف علمی در چهارده قرن پیش در ادله قرآن و سنت بارها ذکر شد، و انسان ها را از فعالیت های متضمن ربا برحذر داشته است. با این که این مسأله قرن ها پیش برای دین اسلام حل شده، امروزه در جوامع اسلامی از جمله ایران نرخ بهره سنگین بر اقتصاد تحمیل می شود که پیامدهای منفی زیادی بر اقتصاد کشور دارد.

همه مسوولان اقتصادی بایستی تمام تلاش خود را مصروف حذف بهره نمایند. پدیده ای که هم به لحاظ شرعی نکوهیده است و هم از جنبه علمی و نظری آثار زیانبار آن بررسی شده و به لحاظ تجربی نیز حذف آن امکان دارد. چنین تلاشی بدون تردید چهره واقعی اقتصاد اسلامی را بهتر نمایان خواهد ساخت. بدیهی است که در عین حال بایستی تغییرات و تحولات جدید در سیستم مالیه اسلامی مد نظر قرار گیرد، در این راستا سیستم اسلامی هم می تواند از جهانی شدن تاثیر پذیر باشد. تغییرات سریع در جهان باعث سرعت نوآوری در مالیه اسلامی و ایجاد ابزار جدید و متناسب با روز می شود که به تبع آن محصولات مالی دارای کیفیت و سطح استاندارد شده و همکاری بین کشورها نیز افزایش می یابد به علاوه سیستمهای تجاری و خط مشی ها و روشها همسان میگردد حتی رشد و توسعه پایدار اقتصادی می تواند نرخ بهره را به سمت صفر میل دهد و این همان چیزی است که سیستم اسلامی در پی رسیدن به آن است. پس جهانی شدن و مالیه اسلامی دارای تاثیرات اجتناب ناپذیر متقابل بر یکدیگرند.

در بحث جهانی شدن و بهره گرفتن از آن لزوم جذب سرمایه گذاری خارجی به عنوان عنصری مهم تلقی می شود. سوال این است که اگر قرار است بهره در کشورهای اسلامی نباشد پس چگونه می توان سرمایه را جذب کرد؟ یکی از شرایط عمومی که برای جذب سرمایه مطرح است آن است که ساختار و زیربنای اقتصادی کشور میزبان قوی باشد. دیگر اینکه پروژه ها را دقیقاً بررسی و ارزیابی اقتصادی نمایند و شرایط امنیت نسبی را برای سرمایه فراهم آورند.

1. Zamir Iqbal (1997) “ Islamic financial systems ” (finance & development).
2. Ravil Hairetdinov (1998) “ Islamic financial system ”
http://www.lai.ut.ee/~stork/english/islamic_finsys.html.
3. khan,tariqullah and boulem bedjilali (2002) “modeling an exit strategy for islamic venture capital finance. (international journal of islamic financial services,vol 4 ,no 2.